

## Analyzing and Summarizing the Sayings in the part of “men Ghayre Soo’e” (without Fault) in the Miracle of Yad-e Bayza (Shining Hand) of Hazrat Musa (pbuh)

Gholam Ali Moghadam 

Assistant Professor, Department of Islamic  
Philosophy and Theology, Razavi University of  
Islamic Sciences, Mashhad, Iran

Nabiullah Sadrifar 

Assistant Professor, Department of Islamic Studies,  
Payame Noor University, Iran

### Abstract

Quranic teachings have different degrees and levels in appearance and depth, and according to the commentators, they are also faced with multiple layers of understanding the Quran. For this reason, after more than 14 centuries have passed since the revelation of the Holy Quran, this divine book is still fresh and contains great and new themes, and as stated in the traditions, it will always remain fresh. For this reason, after more than 14 centuries have passed since the revelation of the Holy Quran, this divine book is still fresh and contains great and new themes, and as stated in the traditions, it will always remain fresh. The interpretation of the part of “without Fault” that is mentioned for the miracle of Yad-e Bayza (Shining Hand) of Prophet Moses (pbuh) in some verses of the Holy Quran is one of the examples of this variety of understanding. Majority of the commentators have considered the curse of “Fault” to be internal and related to Leprosy and Pisi or harm in the hands of Prophet Moses. Some have also interpreted this part in an external way and related to negative negation towards others. The question of the research is whether it is possible to provide an acceptable collective face for the views raised in this issue while explaining and analyzing the most important views. In this article, in an analytical manner, while examining the viewpoints, we have determined a comprehensive attitude among them and by providing proofs, we have shown that this collective aspect can accept the majority of viewpoints in its origin. So the hypothesis of the research by insisting on the term “Fault” is that “harm” includes all damages and injuries to the organs and limbs of the bearer, the organs or body parts of the viewer, and even disturbances in the soul and illusions of the observer, And there is no conflict between internal and external attitudes in this matter.

**Keywords:** Yad-e Bayza (Shining Hand), Miracles of Prophets, Verse 22 of Surah Taha, Verse 12 of Surah Namal.


**\* Corresponding Author:** sadrifar@pnu.ac.ir

**How to Cite:** Moghadam G.A. & Sadrifar N. (2023). Analyzing and Summarizing the Sayings in the part of “men Ghayre Soo’e” (without Fault) in the Miracle of Yad-e Bayza (Shining Hand) of Hazrat Musa (pbuh), *Journal of Seraje Monir*, 13(45), 109-131.




## تحلیل و جمع‌بندی اقوال در قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در معجزه ید بیضاء حضرت موسی (ع)

استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

غلامعلی مقدم 

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، ایران

نبی‌آله صدیقی \*

### چکیده

معارف قرآن درجات و مراتب متفاوت در ظهور و بطون دارد و به تبع مفسران نیز با لایه‌های متعددی از فهم قرآن روبه‌رو هستند. به همین سبب، با گذشت بیش از ۱۴ قرن از نزول قرآن کریم، هنوز این کتاب آسمانی تازه و مشتمل بر مضامین عالی و جدید است و چنان‌که در روایات آمده‌است، همواره تازه خواهد ماند. تفسیر قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» که برای معجزه ید بیضاء حضرت موسی (ع) در برخی آیات قرآن کریم ذکر شده، از مصادیق همین تنوع فهم است. عمده مفسران، قید سوء را به نحو درونی و ناظر به بیماری برص و پستی یا ضرر در دست حضرت موسی قلمداد کرده‌اند. برخی نیز این قید را به نحو بیرونی و مربوط به نفی سوء نسبت به دیگران تفسیر نموده‌اند. مسأله تحقیق این است که آیا می‌توان ضمن تبیین و تحلیل مهم‌ترین دیدگاه‌ها، وجه جمعی مقبول، برای دیدگاه‌های مطرح در این مسأله ارائه کرد. در این مقاله، به شیوه تحلیلی، ضمن بررسی دیدگاه‌ها به نگرشی جامع میان آن‌ها حکم کرده‌ایم و با اقامه قرائن و شواهد نشان داده‌ایم که این وجه جمع می‌تواند غالب دیدگاه‌ها را در خاستگاه خود پذیرا باشد. پس فرضیه تحقیق با تمسک به اطلاق «سوء»، این است که «سوء» شامل همه ضررها و آسیب‌ها به اعضا و جوارح آورنده، اعضا و جوارح بیننده و حتی خلل در نفوس و اوهام مشاهده‌کننده می‌شود و میان نگرش‌های درونی و بیرونی در این مسأله تعارضی نیست.

کلیدواژه‌ها: ید بیضاء، معجزات پیامبران، آیه ۲۲ سوره طه، آیه ۱۲ سوره نمل.

## ۱. مقدمه

معجزه، نشانه‌ای از طرف خداست که آن را تنها به پیامبران و فرستادگان و حجت‌های خود عطا می‌کند، تا به این وسیله، راست‌راستگو، از دروغ‌دروغگو شناخته شود (ر.ک؛ ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۲۲). بنابراین، معجزه ابزاری برای تمیز مدعیان دروغین نبوت از رسولان حقیقی است و خداوند این ابزار را در اختیار فرستادگان خود قرار می‌دهد. معجزه به حسی و عقلی تقسیم می‌شود. معجزه حسی آن است که با حواس انسانی قابل درک است و معجزه عقلی را با عقل و بصیرت می‌توان دریافت نمود. اغلب معجزات انبیا از قسم معجزه حسی است. حضرت موسی<sup>(ع)</sup> از جمله پیامبران الهی است که معجزات متعددی از او نقل شده‌است. از جمله معجزات حسی این پیامبر الهی، معجزه «ید بیضاء» است که به این معجزه در چهار سوره قرآن اشاره شده‌است. این چهار سوره عبارتند از: سوره‌های مبارکه طه: ﴿وَأَضْمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ﴾ (طه / ۲۲)، نمل: ﴿وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتِ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (النمل / ۱۲)، قصص: ﴿اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَأَضْمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (القصص / ۳۲)، و اعراف: ﴿وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ﴾ (الأعراف / ۱۰۸). با بررسی مجموع این آیات، ملاحظه می‌شود که تعبیر «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در جریان معجزه ید بیضاء حضرت موسی<sup>(ع)</sup> در سه آیه به کار رفته‌است. آنچه ذیل این آیات مطرح شده‌است و مسئله تحقیق به شمار می‌رود، این است که مراد از «بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» چیست! دیدگاه‌های مطرح در این زمینه کدامند و چگونه می‌توان میان آن‌ها جمع کرد؟

طرح مسأله در تفسیر این قید، مبتنی بر آن است که قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ»، چنان‌که در تفاسیر آمده، احترازی است، قيود احترازی حاکی از مفهومی خاص بوده، برای نشان دادن معنایی در موضوع یا محمول به آن‌ها اضافه شده، دایره مفهوم را توسعه داده، یا تضییق می‌نمایند. اصولیان بحث‌های مفیدی درباره مفهوم داشتن یا نداشتن قيود احترازی مطرح

کرده‌اند. مفسران نیز در اینجا دربارهٔ اینکه قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» برای ادخال یا اخراج چه معنایی در آیه ذکر شده‌است، مباحث متعددی را مطرح نموده‌اند.

قول غالب در میان مفسران این است که قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» احتراز از بیماری برص و پیسی است. این معنا در روایات تفسیری شیعه نیز وارد شده‌است. مطابق مضمون این روایات، قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در آیه برای نفی اعتقادی است که در تورات آمده‌است و حاکی از آن است که دست حضرت موسی<sup>(ع)</sup> در خروج از جیب، گرفتار برص می‌شد و در ادخال به جیب بهبود پیدا می‌کرد. دیدگاه‌های دیگر نیز معانی دیگری برای این قید ذکر کرده‌اند. لذا مسئله اصلی تحقیق این است که چگونه می‌توان میان این دیدگاه‌ها جمع نمود و روایات وارده در این زمینه را توجیه و تحلیل کرد. با بررسی این مسئله، روشن می‌شود که می‌توان با تکیه بر برخی قرائن، دیدگاهی جامع ارائه داد که بقیه اقوال را نیز شامل شود.

دربارهٔ این آیه، حسب تتبع، تنها دو مقاله به قلم آقای موسوی لاری ذیل این آیات به رشتهٔ تحریر درآمده‌است. در مقالهٔ اول با عنوان «تفسیر صحیح ید بیضاء» (موسوی لاری، ۱۳۸۹: ۶۵-۷۴)، مؤلف تلاش نموده این معنی را اثبات نماید که این نور تأثیری سوء بر بینندگان به‌جا نگذاشته‌است و در مقالهٔ دوم با عنوان «ید بیضاء را چگونه تفسیر کنیم؟» (موسوی لاری، ۱۳۹۰)، نویسنده با ارائهٔ ادله و شواهدی تلاش می‌کند تا نشان دهد آنچه به عنوان معجزهٔ ید بیضاء از حضرت موسی<sup>(ع)</sup> صادر شد، یک درخشش عادی و سپیدی عارضی نبود، بلکه نورانیت و تشعشعی خیره‌کننده بود که در میانهٔ روز و در مقابل چشم مردمان، از راه دور و نزدیک دیده می‌شد و در زمانهٔ رونق سحر و ساحری، خارق عادت به حساب می‌آمد.

این مطالعه به روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفته‌است، به این گونه که بعد از تعیین ساختار بحث، با مراجعه به مهم‌ترین تفاسیر شیعه و اهل سنت، متناسب با ساختار تحقیق، از آن‌ها یادداشت‌برداری شده‌است. سپس به تحلیل و جمع‌بندی مطالب، اقدام گردید و

تحلیل و جمع‌بندی اقوال در قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در ...؛ غلامعلی مقدم و نبی‌آله صدری فر | ۱۱۳

تلاش شد که ضمن طرح، تحلیل و نقد دیدگاه‌ها، وجه جامع مناسبی میان آن‌ها ارائه شود که این مطلب را می‌توان وجه نوآوری این مقاله به شمار آورد.

## ۲. بیضاء در قرآن و ترکیب آیه

واژه «بیضاء» با صورت‌های گوناگون، مجموعاً در ۱۲ آیه قرآن اشاره شده است که عبارتند از: البقره/ ۱۸۷، آل عمران/ ۱۰۶ و ۱۰۷، الأعراف/ ۱۰۸، یوسف/ ۸۴، طه/ ۲۲، الشعراء/ ۳۳، النمل/ ۱۲، القصص/ ۳۲، فاطر/ ۲۷، الصافات/ ۴۶ و ۴۹. کاربردهای قرآنی مربوط به این رنگ: ابيضت، تبيض، ابيض، بیضاء و بیض است. با مطالعه در مجموع آیات فوق، تفاوت چهار آیه مورد بحث با دیگر آیات که ماده «بیض» در آن‌ها به کار رفته، مشهود است. سفیدی اعجاز را باید در غیر سفیدی مادی معنا نمود، اما به دلیل اینکه ماده‌ای جایگزین ندارد، به ناچار در همین واژه نزدیک به معنای اصلی به کار می‌رود.

در ترکیب آیه «تَخْرُجُ بَيِّضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در منابعی که به ترکیب آیه فوق پرداخته‌اند، چنین آمده است: «تَخْرُجُ» فعل مضارع مجزوم و فاعل آن، ضمیر مستتر «هی»، «بَيِّضًا» حال و منصوب، و «مِنْ غَيْرِ» جار و مجرور، نعت برای «بَيِّضًا»، و «غَيْرِ» مضاف و «سوء» مضاف‌إلیه (ر.ک؛ کرباسی، ۱۴۲۲ ق، ج ۵: ۶۴۲). در ترکیب دیگر، «بَيِّضًا» را حال از ضمیر «تَخْرُجُ»، و «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» حال دوم دانسته شده است (ر.ک؛ ابن حموش، ۱۴۲۳ ق: ۴۹۸ و ابن‌انباری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۱۹). در ترکیب دیگر، «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» صفت برای «بَيِّضًا» و یا حال از ضمیر «بَيِّضًا» آمده است (ر.ک؛ پانی‌پتی، ۱۴۱۲ ق، ج ۷: ۱۰۱) و در ترکیب دیگر نیز «بَيِّضًا» و آیه را حال، و «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» صله برای «بَيِّضًا» بیان شده است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲: ۴۱۹).

## ۳. نگرش درون‌نگر و برون‌نگر در تفسیر قید «سوء»

به طور کلی، در تفسیر آیه شریفه، دو نگرش درون‌نگر و برون‌نگر قابل طرح است که هر کدام از آن‌ها ممکن است ذیل خود توجیه‌های مختلفی را شامل شوند. نگرش درون‌گرا، «سوء» را ناظر به خود حضرت موسی<sup>(ع)</sup> به عنوان فاعل مباشر معجزه تفسیر نموده است و با

این قید، هرگونه آسیب و ضرر، برای دست یا بدن و اعضا و جوارح یا نفس حضرت را نفی کرده است که هر کدام از این احتمالات، ممکن است خود به عنوان توجیهی مستقل مطرح گردد. در مقابل، نگرش برون‌گرا، «سوء» و آسیب بیضاء را نسبت به غیر حضرت در نظر گرفته، قید سوء را حاکی از بی‌خطر بودن این سفیدی برای چشم و جسم یا قوای نفسانی مخاطبان و مشاهده‌کنندگان تلقی نموده است. در ادامه، به تبیین و بررسی مهم‌ترین این دیدگاه‌ها می‌پردازیم.

### ۱-۳-۱. نگرش درون‌نگر

با توجه به تقسیم‌بندی صورت گرفته و تبیین مراد از درون‌نگر و برون‌نگر، در ادامه، دیدگاه مفسرانی را که ذیل خاستگاه درون‌نگر قرار گرفته‌اند، تحلیل و بررسی می‌کنیم:

#### ۱-۳-۱-۱. «سوء» به مثابه بیماری «برص» دست

این دیدگاه که در ضمن نگرش درون‌گرا قابل طرح است، دیدگاه غالب مفسران در توضیح قید «سوء» به حساب می‌آید. این گروه «سوء» را به معنای «برص و پیسی» و بیماری‌های مشابه که منجر به درخشش و سفیدی پوست می‌شود، تفسیر کرده‌اند و «بِیضاءٍ مِنْ غَیْرِ سُوءٍ» را مشیر به نفی هرگونه روشنی حاکی از نقص و بیماری تلقی نموده‌اند: «روشنی دستی که در آن بیماری، و سفیدی آن به سبب بیماری نبود؛ یعنی: مِنْ غَیْرِ بَرَصٍ» (مقاتل، ۱۴۲۳ ق.، ج ۳: ۲۹۷). همچنین، طوسی در تبیان و برخی دیگر از قول ابن عباس، مجاهد، حسن، قتاده، سدی و ضحاک، «سوء» را به «برص» معنا کرده است (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۷: ۱۶۸ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۵). چنان‌که بیضاوی و دیگر مفسران معنایی عام‌تر برای «مِنْ غَیْرِ سُوءٍ» ذکر نموده، آن را به «مِنْ غَیْرِ عَاهَةِ وَ قُبْحٍ» معنا کرده‌اند و در نهایت، کنایه از برص و پیسی دانسته‌اند (ر.ک؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق.، ج ۴: ۲۶ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۳۰۲).

این دیدگاه، چنان‌که گفته شد، دیدگاهی غالب است و در تفاسیر دیگر که «سوء» را به «آفت، مرض و نقص» معنا کرده‌اند، قابل پیگیری است (ر.ک؛ ابن عربی، ۱۴۲۲ ق.، ج ۲:

تحلیل و جمع‌بندی اقوال در قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در ...؛ غلامعلی مقدم و نبی‌آله صدیقی فر | ۱۱۵

۲۲). اگرچه برخی مانند صاحب تفسیر المیزان به طور قطعی در این زمینه اظهار نظر نداده‌اند و با «قیل» نقل می‌نمایند که: «قیل کُنَّیْ بِهٖ عَنِ الْبَرَصِ: گفته شده مراد، برص و اینها باشد» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۴: ۱۴۴).

چنان‌که اشاره شد، تورات محرف معجزه ید بیضاء حضرت<sup>(ع)</sup> را به گرفتاری به برص و بهبودی از آن تنزل داده بود و بعید نیست که این قید در این آیات، ناظر به ابطال همان عقیده فاسد یهود درباره حضرت موسی<sup>(ع)</sup> باشد. بر اساس ادله عقلی و نقلی، نه تنها حضرت موسی، بلکه همه پیامبران الهی از عیوب ظاهری، نقائص خلقی و رذایل خلقی مبرا هستند، در غیر این صورت، مردم از اطراف آنها پراکنده شده، نسبت به آنها اظهار تنفر می‌نمایند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹: ۳۰۳) و این به منزله نقض غرض بوده، از جانب مولای حکیم محال است. اما از تورات و انجیل تحریف شده که فجیع‌ترین اعمال اخلاقی و انسانی را به انبیای الهی نسبت می‌دهند، چنین برخوردی با معجزه موسی دور از انتظار نیست. شاید به همین سبب است که برخی از روایات تفسیری منقول از ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> که ذیل آیه وارد شده، این دیدگاه را مورد تأیید قرار داده‌است؛ از جمله، از امام صادق (علیه السلام) وارد شده‌است که خداوند به موسی<sup>(ع)</sup> فرمود: منظور از «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ»، بدون مرض است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵۹: ۱۱۱). در روایت دیگری، امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمودند که منظور از «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ»، بدون برص (پسی) است (ر.ک؛ همان، ج ۱۳: ۱۳۶). پس بعید نیست که مضمون هر دو، همان برص باشد که به حسب تصحیف، گاه به برص و گاه مرض تغییر لفظ داده‌است.

این دیدگاه «بِیضاء» و «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» را صفت و ویژگی برای «یَد» قلمداد نموده‌اند؛ به این معنا که این دست، سفید بود و این سفیدی به سبب بیماری، مانند برص، لک و پسی نبوده‌است (ر.ک؛ صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۵۵)؛ چراکه در لحظه‌ای ظاهر شده، در لحظه دیگر، مخفی می‌شد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ ق، ج ۹: ۵۴۲). بنابراین، قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ»، قیدی احترازی است. این توهم و اعتقاد باطل را که سفیدی دست، حاصل بیماری بود، نفی می‌کند و ذهن مخاطب را از گرفتاری پیامبر به بیماری برص و امثال آن



دور کرده است (ر.ک؛ سمین، ۱۴۱۴ ق.، ج ۵: ۱۵). گویا برای ناظر «ید بیضاء»، بین معجزه بودن و بیماری دست شبهه و تردید پیش آمده که آیا این سفیدی به سبب بیماری مانند برص و امثال آن است، یا خارق عادت دیگری است. آیه در پاسخ به این ذهنیت مخاطب، بیان می‌کند که این سفیدی به دلیل برص و امثال آن نبوده است (ر.ک؛ نظام‌الأعرج، ۱۴۱۶ ق.، ج ۴: ۵۲۸). از این رو، گفتیم که احتمال دارد عبارت «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در این آیه، ناظر به تورات و برای احتراز از آنچه در آن نقل شده، آمده است، چون در تورات چنین ذکر شده است: «خداوند باز به او گفت: حال دستت را در بغلت فروببر. دستت را در بغلتش فروبرد. (همین که) آن را بیرون آورد، اینک دستت برص گرفته، چون برف (سفید شده) بود. گفت: دستت را به بغلت بازگردان. دستت را به بغلت بازگردانید. (همین که) آن را از بغلتش بیرون آورد، اینک مثل بدنش گردید» (سفر خروج، باب ۴: ۶-۷).

در تفسیر المیزان، به این مطلب چنین اشاره شده است: «و ظاهراً در اینکه بیرون آوردن دست از گریبان را مقید کرد به قید "مِنْ غَيْرِ سُوءٍ" بدون پیسی، تعریض به تورات باشد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۶).

بنابراین، به نقل از تورات، حضرت موسی<sup>(ع)</sup> با فروردن دست در بغل، به بیماری برص مبتلا می‌شد و در مرتبه دیگر، از این بیماری بهبود می‌یافت. معجزه ید بیضاء به تلقی تورات، ظاهر شدن بیماری برص در دست حضرت موسی<sup>(ع)</sup> و از بین رفتن آن است. تورات محرف، شأن انبیای الهی و معجزات آن‌ها را که به تعبیر قرآن، هر کدام از دیگری بزرگتر است، در حد یک بیماری منفور<sup>۲</sup> عنه تنزل داده است. از اینجا، فاصله عمیق در نگرش این دو کتاب نسبت به انبیاء آشکار می‌شود.

این دیدگاه اگرچه دیدگاه غالب در بیان تعبیر «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» است، اما از جهات مختلف نقد و بررسی شده است که پرداختن تفصیلی به آن‌ها مجال جداگانه می‌خواهد؛ از جمله اینکه نمی‌توان بین لامعه مششعه و بیماری برص جمع نمود: «اللامعة مششعة مِنْ غَيْرِ مَرَضٍ» (قطب، ۱۴۲۵ ق.، ج ۵: ۲۶۹۲)؛ «المعنى فإن أهلك أمر يدك لما تبصر من شعاعها» (حائری طهرانی، ۱۳۳۸، ج ۸: ۱۳۷) و نمی‌توان میان این سخن عباس که در ذکر «نور» بیان



تحلیل و جمع‌بندی اقوال در قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در ...؛ غلامعلی مقدم و نبی‌آله صدری فر | ۱۱۷

نموده‌اند: «قال ابن عباس: كان ليدنه نور ساطع يضيء بالليل والنهار كضوء الشمس والقمر» (بغوی، ۱۴۲۰ ق.، ج ۳: ۲۶۰) و بیماری برص جمع نمود.

### ۳-۱-۱-۱. روایات و تفسیر سوء به برص

مجموعه روایات تفسیر سوء به برص، از جمله اخبار آحاد بوده، مسأله حجیت خبر واحد از مسائل اختلافی و پردامنه در اصول است، آیا با خبر واحدی که دارای شرایط حجیت است؛ یعنی با طریق ظنی، می‌توان قول معصوم را ثابت کرد یا نه؟ برخی موافق و برخی مخالف حجیت روایات تفسیری هستند.

از جمله بزرگانی که موافق حجیت روایات تفسیری هستند، می‌توان به مرحوم خوئی، فاضل لنکرانی و معرفت اشاره نمود. بنا بر نظر مرحوم خوئی، خبر واحد موثق (خبری که شرایط حجیت و اعتبار را دارد)، در تفسیر قرآن نیز حجیت دارد و می‌توان قرآن را با این گونه اخبار و روایات تفسیر نمود (ر.ک؛ خوئی، بی‌تا: ۵۲۹-۵۳۰). مرحوم فاضل لنکرانی نیز حجیت خبر واحد را در تفسیر و احکام پذیرفته، معتقدند که ملاک پذیرش در هر دو، یکی است (ر.ک؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۱۷۴). مرحوم معرفت معتقدند که ارزش خبر واحد در تفسیر و تاریخ، تنها با در نظر گرفتن خود متن تعیین می‌شود، نه سند آن؛ یعنی محتوای حدیثی که وارد شده تا ابهام موجود در یک موضوع را برطرف کند، در نظر گرفته می‌شود و خود متن خبر، شاهد صدق آن خواهد بود و اگر ابهام را برطرف نکنند، هر چند از نظر سند صحیح باشد، دلیلی بر پذیرش تعبدی آن نداریم. بنابراین، حدیث مأثور از پیامبر، یا یکی از امامان معصوم، یا فردی از دانشمندان صحابه، یا بزرگان تابعین، اگر شناخت ما را نسبت به موضوع افزایش دهد، یا ابهام موجود در لفظ قرآن، یا معنای آیه را برطرف کند، همین ویژگی گواه صدق و درستی آن است و شیوه عقلا بر این است که خبر شخص ثقه را حتی اگر فسق آشکار ندارد، می‌پذیرند (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۵).

در مقابل، بزرگانی همچون طوسی (طوسی، بی تا، ج ۱: ۷) و طباطبائی خبر واحد را در تفسیر فاقد اعتبار می دانند. علامه طباطبائی معتقدند که روایات آحاد، حتی در صورت صحت سند، در غیر احکام شرعیه حجیت ندارد و می فرماید: «حجیت خبر واحد (خبری که یقین به صدور آن نداریم)، در غیر احکام شرعی معنا ندارد» (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۲۸۸).

با توجه به اینکه اخبار تفسیر سوء به برص، از اخبار آحادند، اتخاذ هر کدام از این دو مبنا در سرنوشت بحث تأثیر گذار است، بنا بر اینکه اخبار آحاد در تفسیر آیات معتبر باشند، باید به تبیین و توجیه روایات در این زمینه اقدام کرد و بر این مبنا شاید بتوان گفت تفسیر سوء به برص در روایات، ناظر به شرایط خاص تبلیغی و اجتماعی علمای یهود در آن عصر بود. با توجه به اینکه تازه مسلمانانی از ادیان دیگر، از جمله یهودیان و برخی علمای یهود در جامعه اسلامی زیاد بود و درباره تاریخ انبیاء و عقاید و احکام آن‌ها مطابق با معارف یهود، در تفسیر آیات اظهار نظر می کردند، این وهم به ذهن برخی مسلمانان نیز سرایت نموده که معجزه ید بیضاء همان بیماری برص و بهبود از آن بوده است، روایت صادر از معصوم نیز در دفع چنین شبهه‌ای ایراد گردیده است. بنابراین، همین روایت برای توجیه مخاطب که تصویری خطا از معجزه حضرت موسی در ذهن خود داشته است و برای زدودن چنین تصویری وارد شده است.

چنان که احتمال دارد این روایات با توجه به درک و فهم مخاطب القا شده باشند. این حدیث که در منابع شیعه و کتب اهل سنت هم ضبط شده و معروف است: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نَكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ: مَا گَرُوهَ بِمَإْمِرَانِ أَمْرٍ شَدِيدٍ بِهَذَا لِيَكُنَ بِهَذَا هَرِ الْبَرِّهِمْ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۳). انسان‌ها در هر دوره زمانی، دانش فرهنگ و سطح درک و فهم متفاوتی دارند. انبیاء و ائمه خود با توجه به درک و فهم مخاطب به پرسشگر جواب‌های متناسب می دادند. لذا گاهی تفاوت مهم مخاطب باعث تفاوت پاسخ ائمه به سؤالات آن‌ها مخصوصاً سؤالات معرفتی می شد. در اینجا نیز ممکن است مخاطب در همان فضای فکری پیش گفته، این سؤال را

تحلیل و جمع‌بندی اقوال در قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در ...؛ غلامعلی مقدم و نبی‌آله صدری فر | ۱۱۹

پرسیده باشد و امام متناسب با سطح درک و اقناع مخاطب و نیز برای دفع آن دخل مقدر، عقیدهٔ یهود در این زمینه را ابطال کرده‌است.

### ۳-۱-۲. «سُوءٌ» به معنای آسیب به دست موسی (ع)

اگرچه آسیب به حضرت موسی انواع مختلف دارد، در این وجه، «سوء» در معنای «آسیب‌رسان به دست» به کار رفته‌است. تفاوت این دیدگاه با دیدگاه اول که مورد نقد و ابطال قرار گرفته، در این است که آنجا بیان شد که دست، نورش از برص نبود و در اینجا گفته می‌شود که نور، آسیب‌رسان به دست نبوده‌است؛ به عبارت دیگر، در آنجا احتمال بیماری مطرح بود و تفسیر سوء به بیماری که مؤید روایی نیز داشت، از آن دفع شبهه می‌شود. اما اینجا بحث بیماری نیست، بلکه احتمال آسیب از نوری که از دست ساطع شده‌است و در واقع، بیان می‌کند که آسیب‌زا به ید نیست.

وقتی دست از گریبان بیرون آمد و نوری از آن ساطع شد، آیا این نور به دست آسیب می‌رساند؛ چراکه منشأ نور، آتش است و این سؤال به طور طبیعی در ذهن هر بیننده خطور می‌نماید که آیا این نور به دست آسیبی می‌رساند و مثلاً باعث ایجاد سوزش و سوختگی در دست آورنده آن می‌شود یا نه، در پاسخ به این سؤال، با عبارت «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» از این شبهه و سؤال که ممکن است در ذهن مخاطب ایجاد شود، پاسخ می‌دهد که این نور، سوزاننده و آسیب‌رساننده به دست حضرت موسی نبوده‌است (ر.ک؛ عاملی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۴۶۴). بنا بر این وجه و دیدگاه، در ترجمهٔ آیه گفته می‌شود: «ای موسی، دست خود را در گریبان کن، تا درخشنده بیرون کنی بی آتش و سوزش» (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۴۵۹).

### ۳-۲. نگرش برون‌گرا

همان گونه که آمد، نگرش بیرونی، سوء را ناظر به غیر معنا کرده، وجوه مختلفی برای این صورت قابل تصور است که برخی از آن‌ها مورد توجه مفسران قرار گرفته‌است؛ زیرا می‌توان قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» را بیان برای خود نور و نسبت با اعضا و جوارح، یا نفوس و

جوانح دیگران در نظر گرفت. در ادامه، دیدگاه‌های مطرح شده و یا قابل طرح در خاستگاه برون‌نگر را بررسی می‌کنیم.

### ۳-۲-۱. «سوء» به معنای آسیب‌رساننده به چشم بیننده

وجه دیگر، این است که «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» را صفت خود نور و بیضاء بگیریم و معنای جدیدی را عرضه نماییم؛ یعنی برخلاف دیدگاهی که «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» را صفت برای «ید» قلمداد نموده، یا حال از ضمیر «تخرج» تلقی کرده بود، مطابق این قول، صفتی است برای بیضاء که ویژگی بیضاء را بیان می‌کند؛ چنان‌که در معنای لغوی بیضاء گفته شده است: «بیضاء نور عادی نیست، بلکه "نور درخشان" است که تشعشع و تابندگی دارد» (نظام‌الأعرج، ۱۴۱۶ ق، ج ۴: ۵۲۸). طبیعی است که این نور درخشان ممکن است به چشم بیننده آسیب‌رسان باشد. لذا قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در آیه بیان می‌نماید که این نور به چشم تماشاگر صحنه اعجاز آسیبی نمی‌رساند. پس به جای اینکه «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» را صفتی برای ویژگی دست به کار ببریم، آن را صفتی برای بیضاء بدانیم؛ یعنی نور آن آسیب‌زا به چشم بیننده نبود. این دیدگاه هم مطابق با تعریف معجزه خواهد بود و هم معنای بهتری ارائه خواهد داد. در تفسیر نمونه آمده است:

«دست موسی در آن حالت، نورانیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد. اگر چنین بوده است، باید قبول کرد که جمله "مِنْ غَيْرِ سُوءٍ" مفهوم دیگری دارد؛ یعنی نورانیتی دارد بدون عیب، نه چشم را آزار می‌رساند، نه لگه تاریکی در میان آن دیده می‌شود و نه غیر آن» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۱۸۰).

نا بر پذیرش این دیدگاه، سخن کسانی که گفته‌اند: «نورانیتش اشد از نور شمس بوده که غالب بر نور شمس شد و از شدت نور نمی‌توان در آن نگاه کرد؛ چنان‌چه در چشم خورشید هم نمی‌توان نظر نمود» (طیب، ۱۳۶۹، ج ۵: ۴۱۲)، قابل نقد است.

### ۳-۲-۲. تفسیر «سوء» به آسیب و اختلال در نفس

تحلیل و جمع‌بندی اقوال در قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در ... ؛ غلامعلی مقدم و نبی‌آله صدری فر | ۱۲۱

قول دیگری که ذیل این آیه قابل تصور است و طرفداران کمتری دارد، این است که مراد از «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» را بیان‌کننده این مطلب دانسته‌اند که این نور سفید، نوری حقیقی و واقعی بود و بدون تأثیرگذاری سوء در وهم و خیال، یا اختلال در حواس، خود را به مخاطب نمایانده‌است: «بیضاء منورة بنور الهدایة الحقانیة و شعاع النور القدسی من غیر سوء ای: آفة و نقص و مرض من شوب الوهم والخیال» (ابن عربی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ۲۲). یک تفاوت میان سحر، جادو و معجزه در این است که غالب سحر و جادو بر اساس آیات قرآن، تنها چشم‌بندی، تردستی و خیال‌پردازی است که با ایجاد اختلال در قوای ادراکی و وهم، یا خیال مخاطب، خود را واقعی نشان می‌دهد و هیچ واقعیتی در ورای آن وجود ندارد (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۵۰). بر همین اساس، درباره سحران فرعون آمده‌است: ﴿فَإِذَا جَاءَهُمْ وَعَصِيَهُمْ يَخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهُمْ تُسْعَى: پس ناگهان ریسمان‌ها و چوبدستی‌هاشان بر اثر سحرشان در خیال او چنین می‌نمود که آن‌ها به شتاب می‌خزند﴾ (طه / ۶). در این شبه‌معجزه‌ها، این بیننده بود که تصور، توهم و تخیل می‌کرد و چنین می‌پنداشت که ریسمان‌ها و عصاها راه می‌روند، در حالی که این امر متخیل، واقعیتی در خارج نداشت. بر همین اساس، ممکن است آیه مورد بحث با قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» بخواهد از این توهم و خیالی که احتمال دارد برای برخی مخاطبان پیش آید، پرده برداری نموده باشد. لذا می‌فرماید که «ید بیضا» حقیقی بود و نه خیال و توهمی که در ذهن و چشم بیننده ایجاد شود.

۳-۳. دیدگاه جامع: «سوء» به مثابه مطلق آسیب به جسم و نفس خود و غیر،

#### جمع احتمالات و ارائه مؤیدات

با توجه به اشکال و ابطال احتمال بیماری و برص و تعدد دیگر احتمالات، به نظر می‌رسد بتوان تفسیری جامع برای «سوء» بیان کرد که نه تنها احتمالات و اقوال مذکور را در خاستگاه خود بپذیرد، بلکه برخی دیگر از احتمالات مقدر را نیز شامل شده، با دفع دخل مقدر، راه را برای پاسخگویی به اشکالات احتمالی هموار نماید، جمع وجه جامعی که ذیل

دیدگاه‌ها درباره «مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ» به نظر می‌رسد، این است که این نور غیر آسیب‌رساننده به خود حضرت و دیگران و غیر آسیب‌رساننده به بدن و نفس در دو نگرش درون‌نگر و برون‌نگر است. البته این جمع به حسب استقراء در فضای موجود شکل گرفته است و بدیهی است که اگر ابعاد دیگری از آسیب هم در آینده قابل طرح باشد، این نگاه تفسیری قادر به پذیرش آن‌ها خواهد بود.

بنابراین، نگاه جامع «سوء» به معنای مطلق امور آسیب‌رسان، مضر، بیماری‌زا، مخل و... نسبت به حضرت موسی و دیگران است. پس این نور آسیب‌زننده به دست و هیچ یک از جوارح و جوانح جسمانی یا نفسانی خود حضرت موسی<sup>(ع)</sup> نبود و اعضای حضرت با وجود این نور، دچار سوختگی و درد نمی‌شود. همچنین، این نور آسیب‌زای به هیچ کدام از اندام‌های جسمانی و قوای نفسانی ناظر و بیننده هم نیست.

برخی از نورها، مانند اشعه مستقیم خورشید، یا برخی دستگاه‌های الکتریکی و حرارتی، اگرچه درخشش فوق‌العاده دارند، اما در صورت مشاهده مستقیم به اندام‌های ادارکی بیننده آسیب وارد می‌کنند و این جهت سوء به شمار می‌آیند. نور حاصل از معجزه ید بیضاء، به‌رغم درخشش و تشعشع خیره‌کننده، همان‌گونه که برای دست حضرت موسی آسیب و ضرری در پی نداشت، برای اندام بیننده نیز خطر و آسیب تلقی نمی‌شد و از این نظر، «مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ» بود. پس نه دست موسی از آن آسیب می‌بیند و نه چشم خیره به آن، و این ویژگی چنین معجزات الهی است. لذا مشاهده‌کنندگان این نور، محو تماشای آن نور و خیره به آن شده بودند، اما هرگز احساسی از سوء یا گزارشی از آسیب به غیر درباره این معجزه وجود ندارد.

چنان‌که این نورانیت و تشعشع خیره‌کننده در عین حال که از هر گونه بدی و آسیب مبراست، امری عینی، حقیقی و واقعی نیز تلقی می‌شود و حاصل اختلال در حواس یا اختلاط در خیال یا تشویش در وهم نیست؛ یعنی چنان نیست که مخاطبان در عالم ذهن و خیال خود نوری را مشاهده کرده باشند که واقعیت عینی خارجی نداشته و خداوند یا حضرت موسی با دستکاری در ساختار نفسانی شخص، این تلقی را برای او ایجاد کرده

تحلیل و جمع‌بندی اقوال در قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در ...؛ غلامعلی مقدم و نبی‌آله صدیقی فر | ۱۲۳

باشند، تغییر ساختارهای ادراکی، اگرچه خود نوعی خارق‌عادت و معجزه است، اما در محل بحث و با توجه به قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» که هرگونه اخلال و نقص در ساختار طبیعی خلقت را نفی می‌کند، می‌توان احتمال چنین تخیل و تهمتی را نیز نفی کرد. پس از این نظر نیز معجزه‌ی بیضه از هرگونه سوء مبراست.

### ۱-۳-۳. قرائن و مؤیدات

بنا بر تقریر مختار، غیر از احتمال بیماری برص که نوعی نقص در حضرت موسی و معجزه او به حساب می‌آید و به دلیل استحاله، نقضِ غرضِ باطل است. بقیه احتمالات گفته‌شده ذیل آیه، پذیرفتنی است و بر اساس ادله و شواهدی می‌توان از این نگرش دفاع کرد. علاوه بر ویژگی پیش‌گفته در جامعیت و شمول، شواهد و قرائنی نیز این وجه جمع را تأیید می‌کند که در ادامه به ذکر برخی مؤیدات و تقویت این دیدگاه می‌پردازیم.

### ۱-۱-۳-۳. تناسب با اطلاق در معنای لغت سوء

دیدگاه جامع با اطلاق موجود در ماده لغوی «سوء» هماهنگ‌تر است. با مراجعه به معنای اولیه «سوء» در کتب لغت، می‌بینیم که معنای اصلی کلمه به مطلق «مکروه و آسیب» تبیین شده است: «أصله المَكْرُوه و منه قولهم: دَفَعَ اللَّهُ عَنْكَ السُّوءَ» (عسکری، ۱۴۲۸ ق.: ۲۴۷). در کتاب العین، به جامعیت این کلمه برای هرگونه آفت اشاره شده است: «السُّوءُ: اسم جامع للآفات والداء» (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق.، ج ۷: ۳۲۷) و این معنا با آنچه گفته شد، متناسب‌تر است. مکروه را از آن رو مکروه گویند که در واقع، آسیبی به جسم یا روح و جان انسان وارد می‌نماید. اگر در اینجا مراد از سوء و مکروه این باشد که آسیبی از ناحیه نور به جسم یا نفس حضرت موسی یا دیگران وارد نمی‌شود، مطلق معنای سوء از این معجزه نفی می‌شود که با دیگر دیدگاه‌ها نیز هماهنگ است.

### ۲-۱-۳-۳. هماهنگی با قاعده الجمع مهما امکن



یکی از قواعدی که مبنایی عرفی و عقلایی دارد، در اصول فقه مطرح شده است و در دیگر علوم نیز مورد توجه، شرح و بسط قرار گرفته، قاعده جمع است و مضمون آن این است که «الجمع مهما أمکن، أُولی مِنَ الطَّرْح». اگرچه این قاعده، گاه درباره معنا و مدلول دو روایت متعارض و مراتب جمع آن‌ها مطرح شده است (ر.ک؛ انصاری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۸۷۹)، اما این قاعده را که یک قاعده عقلایی است، می‌توان در همه مباحث معنایی به کار برد. بر همین اساس، در محل بحث و جمع میان دیدگاه‌ها و نظریات مطرح شده می‌توان از این قاعده به این صورت کمک گرفت. با توجه به اینکه ذیل آیه، روایات و دیدگاه‌های متعددی مطرح است و می‌توان میان غالب آن‌ها جمع کرد، اگر با تلاش عقلی و با تکیه بر قواعد فهم عرفی بتوانیم میان این نظریات جمع کنیم، به مقتضای این قاعده عقلی و عرفی نیز عمل کرده‌ایم و جمع مادامی که به هر نحوی ممکن باشد، از طرح و طرد دیدگاه‌ها بهتر است.

### ۳-۱-۳. بر اساس جواز قاعده استعمال لفظ در بیش از یک مورد

استعمال لفظ در بیش از یک معنا و امکان یا امتناع آن، در برخی علوم اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در این مباحث، مسأله این است که آیا می‌توان لفظ مشترکی را که معانی مختلفی دارد، در استعمال واحد در بیش از یک معنا استعمال کرد؟ یا چنین استعمالی محال و غیرجایز است. عده‌ای با اقامه ادله، امکان اراده بیش از یک معنا از لفظ واحد را جایز ندانسته‌اند (ر.ک؛ خراسانی، ۱۴۰۹ ق: ۳۶). برخی نیز با تکیه بر شواهد ادبی و استسهاد به استعمال الفاظ مشترک در چند معنا، وقوع را بهترین دلیل بر امکان معرفی نموده‌اند و استعمال لفظ واحد در بیش از دو معنا را جایز دانسته‌اند (ر.ک؛ سبحانی، ۱۳۸۷: ۲۲).

در این مورد، اگر سؤال شود که چگونه ممکن است در آن واحد، یک کلمه در دو معنا به کار رود، گفته می‌شود که این سؤال برگرفته از این پرسش است که آیا شارع مقدس می‌تواند از یک کلمه دو معنا را استعمال نماید؟! در پاسخ آن گفته شده است: بله. لذا در تفسیر آیات قرآن، یکی از مباحث مطرح در آیات بحث ظُهر و بطن است که با توجه به ظاهر یک معنا ارائه می‌شود و باطن معنای دیگری دارد. در هر صورت، استعمال

تحلیل و جمع‌بندی اقوال در قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در ...؛ غلامعلی مقدم و نبی‌آله صدری فر | ۱۲۵

لفظ در بیش از یک معنا جایز می‌باشد که در اینجا هم چنین است. در آیات متعددی از قرآن، چنین اتفاقی افتاده است. به علاوه، استعمال کلمه در دو معنای متفاوت وارد شده است؛ مثلاً کلمه «قرء» در فقه هم به معنای «پاکی» و هم به معنای «خروج از پاکی» است.

### ۳-۳-۱-۴. بر اساس جواز وجوه قرآن

وجوه، همان لفظ مشترک است که در معانی متعددی استعمال می‌شود (ر.ک؛ سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۸۷). در تفسیر آیات قرآن، گاه روایت‌های مختلفی نقل شده که در مواردی، مفسران اینگونه روایات را حمل بر وجوه مختلف می‌نمایند که به یک نمونه اشاره می‌شود؛ مثلاً در تفسیر واژه «عفو» در آیه ﴿خُذِ الْعَفْوَ﴾ (الأعراف/ ۱۹۹)، معانی متعددی در روایات، برای این کلمه ذکر شده است؛ از جمله: اخذ مال، مدارا با مردم، وسط (ر.ک؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ق.، ج ۲: ۶۲۵ و سیوطی، ۱۴۰۴ ق.، ج ۳: ۱۵۳) که این معانی متعدد اشاره به وجوه مختلف معانی کلمه «عفو» دارد. بر اساس این دیدگاه، می‌توان گفت در آیه فوق، «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» به اعتبار اینکه صفت ید قرار گیرد، مراد عدم برص است و به اعتبار اینکه بیان ویژگی نور است، احتیاطاً از آسیب‌زایی آن به چشم و دست را می‌رساند.

### ۴. نتیجه

حاصل این جستار، تبیین «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» بود و دیدگاه‌های مطرح و یا قابل طرح، در دو قلمرو درون‌نگر و برون‌نگر بررسی و تحلیل شد. قلمرو درون‌نگر خاستگاه پذیرش دو دیدگاه بود. بنا بر دیدگاه اول، مفسران «سوء» را به بیماری برص و امثال آن تفسیر نموده بودند. بنابراین، مراد از «بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ»، یعنی سفیدی که برص و امثال آن نبود. در نقد این دیدگاه، گفته شد که چنین احتمالی نیاز به قید اضافه ندارد و انبیای الهی به حکم عقل از نقایص و منفورات خلقی و خلقی میرا هستند. روایات این باب نیز اولاً از اخبار آحاد به شمار می‌روند، ثانیاً ممکن است با توجه به فضای غالب تفکر یهودی در این زمینه وارد شده باشند. دیدگاه دومی که ذیل قلمرو درون‌نگر مطرح شد، اینکه «سوء» به معنای

آسیب‌زننده به دست حضرت موسی<sup>(ع)</sup> باشد که مفسران کمی این دیدگاه را بیان نموده‌اند. بنا بر این دیدگاه، مراد از «بَيْضَاءٍ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» آن است که نور ساطع از دست حضرت موسی<sup>(ع)</sup>، آسیب‌زننده به دست ایشان نبود.

در ادامه، قلمرو برون‌نگر مطرح شد که خاستگاه پذیرش دو دیدگاه دیگر بود. در دیدگاه اول، مراد از «سوء»، آسیب و ضرر به غیر، یعنی آسیب‌رساننده به چشم مخاطب است. لذا مراد از «بَيْضَاءٍ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ»، یعنی نور ساطع از دست حضرت موسی<sup>(ع)</sup>، نور آسیب‌زا و آسیب‌رسان برای چشم مشاهده‌کنندگان نبود. احتمال دوم هم «سوء» را به معنای آسیب و اختلال در نفس مخاطب معنا نمود. با این بیان که در خیال مخاطب، چنین تصویری ایجاد شود. لذا مراد از «بَيْضَاءٍ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» آن است که این نور، حقیقی بود و به مانند کار ساحران نبود که در خیال مخاطب تصرفی ایجاد نماید.

از مجموع چهار دیدگاه مطرح شده، یک دیدگاه مورد نقد قرار گرفت. اما دیدگاه مختار این شد که قید «سوء» به صورت مطلق وارد شده است و نسبت به حضرت موسی<sup>(ع)</sup> و دیگران حکم نموده است و در نتیجه، همه دیدگاه‌های مورد قبول را در خود پذیراست، با این بیان که نور ساطع از دست موسی، نوری است که نه آسیب‌رسان به دست حضرت بوده، نه آسیب‌رسان به مشاهده‌کنندگان، و نه اینکه تصرفی بود در خیال مشاهده‌کنندگان، بلکه نوری حقیقی و اعجاز الهی بود که همه با چشم خود آن نور درخشان را مشاهده نمودند. شواهد و قرائنی که نظریه مختار را تأیید می‌نمایند، عبارتند از: تناسب با اطلاق معنایی، هماهنگی با قاعده جمع، جواز استعمال یک کلمه در معانی بیشتر، وجوه و نظائر موجود در کلمات قرآنی.

## تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

## ORCID

Gholam Ali Moghadam



<https://orcid.org/0000-0001-7281-8897>

Nabiullah Sadrifar



<https://orcid.org/0000-0002-9846-8597>

## منابع

### قرآن کریم.

تورات. ترجمه انجمن کلیمیان ایران.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵). *علل الشرائع*. قم: کتابفروشی داوری.

ابن انباری، عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۶۲). *البيان في غريب اعراب القرآن*. قم: موسسه دار الهجرة.

ابن عربی، محمد بن علی. (۱۴۲۲ ق.). *تفسیر ابن عربی (تأویلات عبد الرزاق)*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

انصاری، شیخ مرتضی. (۱۳۷۵). *فرائد الأصول*. قم: انتشارات دهقانی (اسماعیلیان).

بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ ق.). *البرهان في تفسير القرآن*. تحقیق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثة. تهران: بنیاد بعثت.

بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ ق.). *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ ق.). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البيضاوی)*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

پانی پتی، ثناء الله. (۱۴۱۲ ق.). *التفسير المظهری*. کویته: مکتبه رشديه.

حائری طهرانی، علی. (۱۳۳۸). *مقتنیات الدرر*. تهران: دار الکتب الإسلامية.

خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ ق.). *کفایة الأصول*. قم: انتشارات موسسه آل البيت عليهم السلام.

خویی، سید ابوالقاسم. (بی تا). *بیان در علوم و مسائل کلی قرآن*. ترجمه ابوالقاسم نجمی و محمدصادق هاشم‌زاده هریسی. خوی: دانشگاه آزاد اسلامی.

سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۸۷). *المؤجر في أصول الفقه*. قم: موسسه امام صادق (ع).

سمین، احمد بن یوسف. (۱۴۱۴ ق.). *الدر المصون في علوم الكتاب المکنون*. بیروت: دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.

سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴ ق.). *الدر المنثور في تفسير المأثور*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.

صادقی تهرانى، محمد. (۱۳۸۸). *ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم*. قم: شکرانه.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۹۰ ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ ق.). *تفسیر جوامع الجامع*. قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام.

عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰). *تفسیر عاملی*. تهران: کتابفروشی صدوق.

عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۲۸ ق.). *تصحیح الوجوه و النظائر*. قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.

فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۹۶). *مدخل التفسیر*. تهران: مطبعة حیدری.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق.). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.

قطب، سید. (۱۴۲۵ ق.). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دار الشروق.

قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کرباسی، محمدجعفر. (۱۴۱۲ ق.). *اعراب القرآن (کرباسی)*. بیروت: دار و مکتبه الهلال.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.

معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۰). *تفسیر و مفسران*. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵). *نقد شبهات پیرامون قرآن کریم*. ترجمه علی اکبر رستمی، میرزا

علیزاده، حسن خرقانی و حسن حکیم باشی. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.

مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن. (۱۴۲۳ ق.). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

\_\_\_\_\_ . (۱۴۲۱ ق.). *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*. قم: مدرسه الإمام علی بن أبی

طالب (ع).

مکی بن حموش، ابو محمد. (۱۴۲۳ ق.). *مشکل اعراب القرآن*. لبنان، بیروت: دار الیمامة.

تحلیل و جمع‌بندی اقوال در قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در ... ؛ غلامعلی مقدم و نبی‌آله صدری فر | ۱۲۹

موسوی لاری، سید مجتبی. (۱۳۸۹). «تفسیر صحیح ید بیضاء». کلام/اسلام. س ۱۹. ش ۷۴. صص ۶۵-۷۴.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). «ید بیضاء را چگونه تفسیر کنیم؟». معارف. پیاپی ۸۸ صص ۲-۶.

نظام‌الأعرج، حسن بن محمد. (۱۴۱۶ ق.). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان. بیروت: دار الکتب العلمیة منشورات محمدعلی بیضون.

## References

*The Holy Quran.*

*Torat.* Translated by the Kalimian Association of Iran.

Ibn Babouyeh, Mohammad ibn Ali. (1385). *Elal al-Sharaye*. Qom: Davari Bookstore. [In Persian].

Ibn Anbari, Abd al-Rahman ibn Mohammad. (1362). *Al-Bayan fi Gharib Arab Qur'an*. Qom: Dar Hejrah Institute. [In Persian].

Ibn Arabi, Mohammad ibn Ali. (1422 AH). *Tafsir of Ibn Arabi (Tawilat Abd al-Razzaq)*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi. [In Arabic].

Ansari, Sheikh Morteza. (1375). *Faraed al-Asul*. Qom: Dehaghani Publications (Ismailian). [In Persian].

Bahrani, Seyyed Hashem. (1416 AH). *Al-Borhan fi Tafsir al-Qur'an*. Research of the Islamic Studies Department of Al-Besat Institute. Tehran: Besat Foundation. [In Persian].

Baghvi, Hossein ibn Masoud. (1420 AD). *Tafsir al-Baghvi al-Mosamma Ma'alam al-Tanzil*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi. [In Arabic].

Beyzavi, Abdullah ibn Omar. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil and Asrar al-Tavil (Tafsir al-Beyzavi)*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi. [In Arabic].

Panipati, Sanauallah. (1412 AH). *Al-Tafsir al-Mazhari*. Kowayteh: Rushdieh School. [In Arabic].

Haeri Tehrani, Ali. (1338). *Moghtaniat al-Dorar*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islameyyah. [In Persian].

Khorasani, Mohammad Kazem. (1409 AH). *Kefayat al-Osoul*. Qom: Publications of Al al-Bayt (pbut) Institute. [In Persian].

Khoei, Seyyed Abulghasem. (ND). *Expression in the Sciences and General Problems of the Qur'an*. Translated by Abulghasem

- Najmi and Mohammad Sadegh Hashemzadeh Harisi. Khoy: Islamic Azad university [In Persian].
- Sobhani Tabrizi, Jafar. (1387). *Al-Mu'jez fi Osoul al-Feghh*. Qom: Imam Sadigh(AS) Institute. [In Persian].
- Samin, Ahmed ibn Yosuf. (1414 AH). *Al-Dor al-Masoon fi Oloum al-kebab al-Maknoon*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah, Manshourat Mohammad Ali Beyzoun. [In Arabic].
- Seyouti, Jalaluddin. (1404 AH). *Al-dor al-Mansour fi Tafsir al-Masour*. Qom: Ayatollah Mar'ashi Library. [In Persian].
- Sadeghi Tehrani, Mohammad. (1388). *Tarjoman-e Forghan: Tafsir Mokhtasar-e Quran-e Karim*. Qom: Shokraneh. [In Persian].
- Tabatabae'i, Seyyed Mohammad Hossein. (1374). *Tafsir al-Mizan*. Translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani. Qom: Islamic Publications Office of Qom Faculty of Education. [In Persian].
- (1390 AD). *Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Al-A'alami Publishing Institute. [In Arabic].
- Tabresi, Fazl ibn Hasan. (1412 A.H.). *Tafsir-e Javame al-Jame*. Qom: Qom Theological Seminary, Management Center. [In Persian].
- . (1372). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Naser Khosrow. [In Persian].
- Tousi, Mohammad ibn Hassan. (ND). *Tebyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi. [In Persian].
- Tayyeb, Abdul Hossein. (1369). *Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Islam. [In Persian].
- Ameli, Ibrahim. (1360). *Tafsir-e Ameli*. Tehran: Sadouq Bookstore. [In Persian].
- Askari, Hassan ibn Abdullah. (1428 AH). *Tashih-e al-Vojouh va al-Nazayer*. Cairo: Al-Thaghafah al-Dini School. [In Arabic].
- Fazel Lankarani, Mohammad. (2016). *Madkhal al-Tafsir*. Tehran: Heydari Press. [In Persian].
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (1409 AH). *Ketab al-Ayn*. Qom: Hejrat Publishing. [In Persian].
- Qotb, Seyyed. (1425 AH). *Fi Zelal al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Shorouh. [In Arabic].
- Qomi Mashhadhi, Mohammad ibn Mohammad Reza. (1368). *Tafsir Kanz al-Daghaegh va Bahr al-Gharayeb*. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian].



تحلیل و جمع‌بندی اقوال در قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در ...؛ غلامعلی مقدم و نبی‌آله صدری فر | ۱۳۱

- Karbasi, Mohammad Jafar. (1412 AH). *E'arab al-Qur'an (Karbasi)*. Beirut: Dar and al-Helal School. [In Arabic].
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghoub. (1365). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kotob al-Eslamiyyah. [In Persian].
- Majlesi, Mohammad Bagher. (1404 A.H.). *Behar al-Anwar*. Beirut: al-Wafa Institute.
- Marefat, Mohammad Hadi. (1380). *Tafsir va Mofasseroun*. Qom: Tamhid Cultural Institute. [In Persian].
- (1385). *Criticism of doubts about the Holy Qur'an*. Translated by Ali Akbar Rostami, Mirza Alizadeh, Hasan Kharghani & Hasan Hakimbashi. Qom: Tamhid Cultural Publishing Institute. [In Persian].
- Moghatel ibn Soleyman, Abul Hasan. (1423 A.H.). *Tafsir Moghatel ibn Solayman*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi. [In Arabic].
- Makarem Shirazi, Naser. (1371). *Tafsir Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kotob al-Eslamiyyah. [In Persian].
- (1421 AH). *Al-Amsal fi Tafsir Ketab Allah Monzal*. Qom: Al-Imam Ali ibn Abi Talib (a.s.) School. [In Persian].
- Makki ibn Hamoush, Abu Mohammad. (1423 AD). *Moshkel E'arab al-Qur'an*. Beirut: Dar al-yamamah. [In Arabic].
- Mousavi Lari, Seyyed Mojtaba. (1389). "The Correct Interpretation of Yad-e Bayza". *Kalam-e Islam*. Vol. 19. No. 74. Pp. 65-74.
- (1390). "How to Interpret Yad-e Bayza?". *Ma'aref*. Vol. 88. Pp. 2-6. [In Persian].
- Nezam al-A'araj, Hasan ibn Mohammad. (1416 AH). *Tafsir Ghara'eb al-Qur'an and Ragha'eb al-Forghan*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah, Manshourat Mohammad Ali Beyzoun. [In Arabic].

استناد به این مقاله: مقدم، غلامعلی و صدری‌فر، نبی‌آله. (۱۴۰۱) تحلیل و جمع‌بندی اقوال در قید «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» در معجزة ید بیضاء حضرت موسی (ع)، دوفصلنامه علمی سراج منیر، ۱۳ (۴۵)، صص ۱۰۹-۱۳۱.

DOI: 10.22054/ajsm.2023.65064.1782



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.